

نگاهی به آیه ۷ حجرات / اهمیت انتقال زیبا و جذاب مفاهیم دینی و کارکردهای آن / شاخص ایمان از نظر قرآن / بیان هنری امیرالمؤمنین درباره نماز / ترجمه ملموس «سبحان الله» و «الله اکبر» برای نوجوانان / نشنیدن سخنان زیبا از نماز علت علاقه‌مند نبودن نوجوانان به نماز / پیشنهاد: مادران این داستان را برای فرزندان‌شان بخوانند / پاسخ خدا به کسانی که نظر خود را به پیامبر (ص) تحمیل می‌کردند

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان، شهبای ماه مبارک رمضان و در طول برگزاری نمایشگاه قرآن، حدود ساعت ۲۲:۳۰ در مصلى بزرگ امام خمینی(ره)، با موضوع «سبک زندگی با نگاهی به سوره حجرات» سخنرانی می‌کند. علاقمندان می‌توانند این سخنرانی را هر روز ساعت ۱۳:۳۰ بر روی موج اف ام ردیف ۱۰۰ مگا هرتز از رادیو قرآن بشنوند. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **دهمین جلسه** را می‌خوانید:

چرا خدا ایمان را «زیبا» قرار داده؟ / در لحظات پنهان بودن محبوبیت، همین زیبایی می‌تواند ما را پایبند ایمان نگه دارد

- خداوند متعال در آیه هفتم سوره حجرات درباره محبوبیت و زیبایی ایمان سخن می‌گوید و می‌فرماید: «خدا ایمان را محبوب و عزیز دل شما مؤمنین قرار می‌دهد به حدی که ایمان را دوست داشته باشید و همچنین ایمان را برای قلب شما زیبا قرار می‌دهد؛ لکنَّ اللهُ حَبَّ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانُ وَ زَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات ۷) اگر ایمان فقط محبوب بود و زیبا نبود چه می‌شد؟
- **محبت در قلب انسان نوسان دارد یعنی گاهی هست و گاهی نیست، گاهی انسان دچار قساوت قلب می‌شود یا آن محبتی که در دل وجود دارد پنهان و محجوب می‌شود، ولی زیبایی همیشه چشم‌گیر است. لذا آن لحظاتی که محبت به ایمان، در دل ما پنهان است، همین زیبایی ایمان می‌تواند ما را اسیر و پایبند به ایمان نگه دارد.**

۳ شاخص ایمان از نظر قرآن / امداد غیبی و هدیه الهی برای دل‌های ما

- خداوند از یک طرف ایمان را در قلب مؤمنین محبوب و زیبا قرار می‌دهد و از سوی دیگر، ۱- کفر و ۲- فسوق و ۳- عصیان را در دل مؤمنین منفور قرار می‌دهد به حدی که منفور بودن این سه مفهوم در دل را می‌توان شاخص ایمان قرار داد.
- ۱- کافر به کسی می‌گویند که به خدا بی‌احترامی و بی‌اعتنایی کند و لطافت حضرت حق را درک نکند.
- ۲- فاسق یعنی کسی که علنی گناه می‌کند، بی‌بند و بار است، از گناهان خودش شرم نمی‌کند و خیلی از بدی‌هایی که همه مردم عالم بد می‌دانند را وقیحانه انجام می‌دهد.
- ۳- منفور بودن عصیان در قلب انسان، چیزی است که موجب عذاب وجدان و توبه می‌شود.

- اینکه خداوند دو احساس فوق را در قلب مؤمنین قرار داده است، یک امداد غیبی و یک هدیه الهی برای دل‌هاست. قرار دادن این دو احساس در قلب مومن، یعنی از یک‌سو ایمان را برای ما محبوب و زیبا کرده و از سوی دیگر کفر و فسوق و عصیان را برای ما منفور قرار داده است

باید دین و ایمان را طوری به فرزندان خود منتقل کنیم که زیبایی آن را بچسبند

- آیه فوق یک الهام به ما می‌دهد که ما باید ایمان را طوری منتقل کنیم که فرزندان ما زیبایی ایمان و زیبایی اهل ایمان را بچسبند. از سوی دیگر، باید طوری از بدی‌ها و آدم‌های بد سخن بگوییم که بچه‌های ما بدی آن را لمس کنند.
- ما در تبلیغات و تعلیمات دینی خود ضعف داریم و از هنرمندان خودمان گله‌مند هستیم که چرا با زبان هنر، زیبایی‌های ایمان را به مردم نشان نمی‌دهند؟ گاهی اوقات عرفای ما در آیات عاشقانه و عارفانه خود با کلمات بسیار زیبایی مفاهیم دینی را منتقل کرده‌اند. ما هم باید دین را به زیبایی منتقل کنیم تا مفاهیم دینی به صورت خُشک و سرد و بی‌مزه به فرزندان ما منتقل نشود. اگر انتقال مفاهیم دینی به فرزندان خود را به فضای عمومی واگذار کنیم معلوم نیست چه بلایی سر دین بچه‌های ما می‌آید.

در تعلیم دین نباید علم‌زده رفتار کنیم / مقید نباشیم بیان علمی با تعابیر نازیبیا و غیرجذاب به مخاطب منتقل شود

- آیات کریمه قرآن وقتی می‌خواهند از دین سخن بگویند با زیبایی سخن می‌گویند، یعنی کلمات قرآن سعی دارند ایمان را در نزد ما محبوب قرار دهد.
- بچه‌های ما باید دین را جذاب بدانند. در تعلیمات دینی باید محبوبیت ایمان و زیبایی دین را به بچه‌های خود منتقل کنیم. یک وقت در تعلیم دین علم‌زده رفتار نکنیم. مقید نباشیم حتماً بیان علمی با تعابیر نازیبیا و غیرجذاب به مخاطب منتقل شود. گاهی اوقات ما هنر سخن گفتن از دین را نداریم. این باعث می‌شود گاهی کلاس معارف دانشگاه آن قدر بی‌مزه برگزار شود که «نه از او کیفیتی حاصل نه حال».
- ما در دوران دبستان وقتی می‌خواهیم برای بچه‌ها از پیامبر اکرم(ص) سخن بگوییم باید از زیباترین و محبت‌آمیزترین نسبت به ایشان کلمات استفاده کنیم.
- آیا ما بسیاری از مفاهیم دینی مانند نماز، روزه یا نام ائمه هدی(ع) را طوری صدا زده‌ایم که برای بچه‌های ما پرجاذبه باشد؟ زمان ائمه هدی(ع) باران ایشان، وقتی می‌خواستند اهل بیت(ع) را صدا بزنند با کلمات بسیار زیبا و دلچسب‌تر از الان صدا می‌زدند. مثلاً می‌گفتند: جُعِلْتُ فِدَاكَ. یعنی فدایت شوم، قربانت گردم.

آیا «نماز» را به گونه‌ای معرفی کرده‌ایم که نوجوان‌ها آن را دوست داشته باشند؟ / بیان هنری امیرالمؤمنین درباره نماز

- آیا ما «نماز» را طوری معرفی کرده‌ایم و طوری صدا زده‌ایم که جوان‌ها و نوجوان‌های ما نماز را دوست داشته باشند؟ آیا کاری کرده‌ایم تا کلمه نماز در نزد ما یک کلمه دوست‌داشتنی باشد؟ ممکن است بگویید: مگر می‌شود کلمه دیگری جای نماز یا «صلاة» قرار داد؟

• امیرالمؤمنین(ع) در یکی از خطبه‌های نهج‌البلاغه چندین خط درباره نماز سخن می‌گوید ولی یک‌بار از کلمه «نماز» استفاده نمی‌کند باینکه کاملاً معلوم است منظورشان نماز است. در اینجا حضرت با زیباترین تعابیر نماز را برای ما توضیح می‌دهند. وقتی حضرت می‌خواهد درباره نماز شب متقین سخن بگوید می‌فرماید: «متقین شبها با قامت راست در مقابل پروردگار خود می‌ایستند و آیات قرآن را به زیبایی تلاوت می‌کنند. با آیات قرآن قلب خود را گرم می‌کنند و دردمند می‌شوند و در این آیات دنبال درمان دردها یا گمشده دل خود هستند... بعد در اثر خواندن این آیه‌های قرآن از وسط تا می‌شوند (یعنی به رکوع می‌روند) و بعد تمام ارکان بدن خود را فرش روی زمین می‌کنند (که منظور حضرت همان سجده است) (أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَائِبِينَ لِأَخْرَاجِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا يُحَرِّتُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَ يَسْتَتِيرُونَ بِه دَوَاءَ دَائِهِمْ ... فَهَمْ حَائُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ مُقْتَرِشُونَ لِجِبَاهِهِمْ؛ نهج البلاغه/خطبه ۱۹۳)

• ببینید حضرت با چه تعابیر زیبا و متفاوتی از نماز یاد می‌کنند! کار هنری یعنی همین، یعنی تولید ادبیات. گاهی یک توضیح جدید درباره یک مفهوم، می‌تواند آن مفهوم را برای ما دلچسب‌تر کند. اگر سعی کنیم مفاهیم دینی را زیبا منتقل کنیم، جان آدم‌ها تازه می‌شود و این واقعا لازم است: «هان سخن تازه بگو تا که جهان تازه شود»

باید متونی بنویسیم که در آنها مفاهیم دینی برای فرزندان ما به زیبایی بیان شده باشد/ ترجمه جذاب و ملموس سبحان الله: «خدا پاک و منزّه است» یا «خدا چقدر خوب است»/ الله اکبر: «خدا بزرگ است» یا «خدا باشکوه‌ترین و باعظمت‌ترین است»

- برای مادرها باید متن‌هایی نوشته شود که در این متن‌ها مفاهیم دینی برای انتقال به فرزندان ما با زیبایی و جذابیت بیان شده باشد، البته بدون اینکه تغییر یا تحریفی در معنا و ترجمه کلمات عربی ایجاد شود.
- به عنوان مثال غالباً «سبحان الله» را ترجمه می‌کنند به اینکه «خدا پاک و منزّه است» ولی آیا این ترجمه برای فرزند ما جذاب است. آیا بچه‌های ما معنای منزّه است را می‌فهمند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند؟! آیا بهتر نیست که «سبحان الله» را برای فرزندان خود این‌طور معنا کنیم: «خدا چقدر خوب است»؟ در این صورت حتماً برای فرزندان ما جالب است که ببینند وقتی ما به سجده می‌رویم سه مرتبه این جمله را که «خدایا! تو چقدر خوب و ناز هستی» را می‌گوییم و سر از سجده بر می‌داریم.
- آیا اینکه بگوییم «الله اکبر» یعنی خدا بزرگ است، ترجمه خشک و بی‌روحی نیست؟ آیا تصور می‌کنید این معنای دقیقی برای الله اکبر است؟ چون کبریا یکی چیزی است فراتر از بزرگی، حتماً اگر گفتید خدا بزرگ است باید بگویید خدا بزرگ و باشکوه است، یا خدا باشکوه‌ترین و باعظمت‌ترین است. باید این مفاهیم را با کلماتی بیان کنیم که بچه‌های ما بفهمند و زیبایی آن را لمس کنند و الا بچه‌های ما نسبت به دین سرد و بی‌احساس بار می‌آیند.

بسیاری از نوجوانان ما اگر به نماز علاقه ندارند برای این است که سخنان قشنگ از نماز نشنیده‌اند/ چرا امام حسین(ع) این‌قدر طرفدار دارد؟

- بسیاری از نوجوان‌های ما اگر علاقه به نماز ندارند برای این است که سخنان قشنگ از نماز نشنیده‌اند یا نخوانده‌اند. برای این است که از زیبایی‌های معنوی نماز چیزی به آنها منتقل نشده است. چرا امام حسین(ع) این‌قدر طرفدار دارد؟ هم به خاطر محبوبیت امام حسین(ع) است و هم به خاطر زیبایی حماسه عاشورا است. یعنی یک دلیلش این است که زیبایی‌های حماسه ابا عبدالله(ع) خیلی‌ها را به شور آورده و شعری زیادی به زیبایی درباره امام حسین(ع) شعر سروده‌اند. ملت ما ملت غم و ماتم نیست که گریه کردن را

دوست داشته باشد، بلکه این زیبایی حماسه امام حسین(ع) است که مردم را جذب کرده و در کنارش هم اشک می‌ریزند و هم لذت می‌برند.

- یکی از محسنات نمایشگاه قرآن این است که برخی از جوان‌ها دارند در اینجا تلاش می‌کنند تا زیبایی‌های دین را به فرزندان ما منتقل کنند.

زیبایی کلام به قدری تأثیرگذار است که حتی می‌تواند انسان‌ها را سحر کند / چرا آیات قرآن این‌قدر زیبا هستند که انسان را سحر می‌کند؟

- چرا امیرالمؤمنین(ع) این‌قدر زیبا سخن می‌گفتند؟ چرا ادعیه ما این‌قدر زیبا هستند و دلبری می‌کنند؟ حیف که ما آن‌طور که باید با زبان عربی آشنا نیستیم و طعم زیبایی‌های این کلمات را درست نمی‌چشیم. چرا آیات قرآن این‌قدر زیبا هستند که انسان را سحر می‌کنند؟ زیبایی کلام به قدری تأثیرگذار است که حتی می‌تواند انسان‌ها را سحر کند. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «کلام زیبا می‌تواند انسان را سحر کند؛ إِنَّ مِنْ أَلْبَانِ سِحْرًا» (من لایحضره الفقیه/ج ۴/ص ۳۷۹). واقعاً بهترین موسیقی‌های عالم نیز سحر کلمات قرآن را ندارند.

- اولین سوره‌هایی که بر پیامبر(ص) نازل شده و غالباً در جزء سی‌ام هستند را مطالعه کنید ببینید چقدر زیبا و جذاب هستند. اکثر سوره‌های جزء سی‌ام از طبیعت سخن می‌گویند؛ از خورشید، ماه، کوه، درخت، دریا و اسب و شتر و... سخن می‌گوید. مثلاً در سوره عادیات از اسب‌هایی می‌گوید که به تاخت در حال دویدن هستند و بعد به جرقه‌هایی که در اثر برخورد سم اسب‌ها به سنگ‌ها ایجاد می‌شود اشاره می‌کند و به آنها قسم می‌خورد.

- قرآن فوق‌العاده زیباست، فقط باید با آن آشنا باشیم. خداوند خیلی زیبا سخن گفته است ولی متأسفانه این مفاهیم و تعابیر به دست ما افتاده و ما همه تعابیر را خشک و بی‌روح بیان می‌کنیم و لذا برای فرزندان ما جذابیتی ندارد. زبان ادعیه نیز فوق‌العاده زیباست و یک آهنگ و فراز و فرود بسیار زیبا و جذاب دارد.

پیشنهادی به مادران: داستان حدیث کساء را به عنوان قصه برای فرزند خود بخوانید/ باید در همه خانه‌ها قصه‌ها و اشعار مختلفی با موضوع حدیث کساء، برای بچه‌ها وجود داشته باشد

- **یک پیشنهاد برای مادران محترم دارم. حدیث کساء را بخوانید و ترجمه فارسی آن را به عنوان قصه به فرزندان خود یاد بدهید. چون بچه‌ها قصه‌های بدون تنش و درگیری را دوست دارند. قصه حدیث کساء را برای بچه‌های خودتان بخوانید و تجربه کنید. جالب اینجاست که بچه‌ها دوست دارند همان قصه‌های قبلی را دوباره برای آنها تکرار کنید، چون با آن انس پیدا می‌کنند.**

- **قصه حدیث کساء حادثه تلخی ندارد که بچه بدش بیاید، ضمن اینکه در این قصه خانواده وجود دارد، خصوصاً که محور داستان هم پدر بزرگ خانواده است و بچه‌ها به لحاظ روانشناسی این را دوست دارند. این داستان سرشار از لطف، زیبایی، صفا و صمیمیت است و خواندش هم خیلی سفارش شده است.**

• وقتی این بچه بزرگ شد، اگر به او بگویید که امام حسین(ع) مظلوم واقع شده، غم دلش را خواهد گرفت و ارتباط قشنگی ایجاد خواهد کرد. البته دقت کنید که از همان کودکی نباید بچه‌ها را با غم‌های اهل بیت(ع) آشنا کنید، بلکه با حدیث کساء آشنا کنید که سراسر شادی و محبت و صمیمیت است.

• الان باید در همه خانه‌ها قصه‌ها و اشعار مختلفی با موضوع حدیث کساء برای بچه‌ها وجود داشته باشد که مادرها برای بچه‌های خود بخوانند.

چرا شاعران اهل بیت(ع) این قدر مورد تشویق ائمه هدی(ع) قرار می‌گرفتند؟/ چون شعر، حقیقت را به زبان زیبا بیان می‌کند

• چرا ائمه هدی(ع) شاعرانی که برای اهل بیت(ع) شعر می‌سرودند را این‌همه تشویق می‌کردند؟ چون شعر زیباست و حقیقت را به زبان زیبا بیان می‌کند. اصلاً دین را باید زیبا گفت. امام صادق(ع) می‌فرماید: اگر کسی یک بیت شعر برای حسین(ع) بگوید، بهشت بر او واجب می‌شود. حتی اگر شعر را دیگری گفته باشد و او فقط آن را تکرار کند باز هم بهشت بر او واجب می‌شود (مَنْ أَتَشَدَّ فِي الْحُسَيْنِ ع نَبِيَّتْ شِعْرِ فَبِكِي وَ أَبْكِي عَشْرَةَ فَلَهُ وَ لَهُمُ الْجَنَّةُ...؛ کامل الزیارات/ص ۱۰۵)

انسان باید از دینداری لذت ببرد؛ هم لذت عاطفی و هم لذت زیباشناختی/ اگر زیبایی دین را درک نکنیم، دین برای ما تلخ جلوه می‌کند

• خداوند دین و ایمان را در جان ما محبوب قرار داده است و ما هم باید از راه‌های ممکن، دین را در جان خود، در جان فرزند خود و در جان جامعه خودمان «محبوب» قرار دهیم. کار دیگری که خداوند انجام می‌دهد این است که دین را در دل انسان «زیبا» قرار می‌دهد. ما هم در انتقال قصه زیبای دین به فرزند خود و به جامعه باید این زیبایی را رعایت کنیم و خودمان هم باید زیبایی‌های دین را بیشتر درک کنیم.

• این هدیه خداوند به انسان است. انسان باید از دینداری کردن خودش لذت ببرد، هم لذت عاطفی و هم لذت زیباشناختی. و اگر این دو لذت در کنار هم بیاید چقدر دینداری برای ما شیرین خواهد شد! و اگر این زیبایی‌ها را درک نکنیم و منتقل نکنیم، دین برای ما تلخ جلوه می‌کند.

چرا خداوند در این آیه از محبوبیت و زیبایی ایمان سخن گفته؟/ پاسخ خدا به کسانی که نظر خود را به پیامبر(ص) تحمیل می‌کردند

• حالا باید ببینیم چه شده که خداوند متعال در این آیه از محبوبیت و زیبایی دین و ایمان سخن گفت؟ خداوند در قسمت اول این آیه می‌فرماید: «بدانید این کسی که در میان شماست رسول خدا(ص) است (یعنی یک آدم معمولی نیست بلکه فرستاده خداست) اگر این پیامبر بخواهد اکثراً سخن شما را گوش کند و از شما پیروی کند خودتان اذیت می‌شوید؛ وَاعْلَمُوا أَن فَيْكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ» (حجرات/۷) مفسرین می‌گویند: در زمان پیامبر(ص) خیلی‌ها نظر خود را به پیامبر(ص) تحمیل می‌کردند، پیامبر(ص) هم با نجابت برخورد می‌کرد و آنها از نجابت پیامبر(ص) سوء استفاده می‌کردند و به ایشان تحمیل می‌کردند.

• کفار می‌گفتند اصلاً ایشان پیامبر خدا نیست، یعنی اساساً انکار می‌کردند تا از زیر بار دستورات الهی فرار کنند. ولی برخی از مسلمانان که در کنار پیامبر(ص) بودند و به ظاهر اطاعت از ایشان را پذیرفته بودند، خیلی از اوقات به جای اینکه از سخن

پیامبر(ص) تبعیت کنند، سخن خود را به ایشان تحمیل می‌کردند و این خیلی زشت است. در مورد امیرالمؤمنین(ع) نیز همین‌طور بود. لذا حضرت در کمال مظلومیت می‌فرمود: «من امیر شما بودم، ولی الان شده‌ام مأمور شما! از بس که نظر خود را بر من تحمیل کردید؛ لَقَدْ كُنْتُ أَمْسِ أَمِيرًا فَأَصْبَحْتُ الْيَوْمَ مَأْمُورًا» (نهج البلاغه/خطبه ۲۰۸)

• **تحمیل‌گری جریانی است که خداوند در این آیه بیان فرموده است. بعد می‌فرماید: اگر شما سخنی را به پیامبر(ص) تحمیل کنید خودتان اذیت می‌شوید، و به ضرر خودتان است. این مانند سخنی است که بعضی اوقات پدر و مادرها به فرزند خود می‌گویند: «عزیز من! اگر من الان به حرف تو گوش کنم خودت اذیت می‌شوی و به ضرر خودت می‌شود، مثلاً خوردن این غذا الان برای تو ضرر دارد، اگر من حرف تو را قبول کنم و اجازه بدهم بخوری، خودت اذیت می‌شوی»**

محبوبیت و زیبایی دین کمک می‌کند درجه ولایت‌پذیری ما بالا برود

• در این آیه بعد از اینکه خداوند می‌فرماید: «سخن خود را به پیامبر(ص) تحمیل نکنید و الا به ضرر خودتان خواهد بود» بلافاصله می‌فرماید: «ولی خدا ایمان را محبوب شما قرار داد و آن را در دل هایتان زیبا ساخت؛ وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْأَيْمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» اگر این دو قسمت آیه را در کنار هم بگذاریم منظور آیه را این‌طور می‌فهمیم: «برای اینکه شما بتوانید از پیامبر(ص) اطاعت کنید و برای اینکه نظر خود را تحمیل نکنید و سخن دین را بپذیرید، خدا ایمان را در قلب شما محبوب و دین را زیبا قرار می‌دهد»

• در این آیه می‌بینید که وقتی بحث اطاعت از پیامبر(ص) به میان می‌آید، بلافاصله از محبوبیت و زیبایی ایمان سخن گفته می‌شود تا یک وقت برای مؤمنین سنگین نباشد و به آنها فشار نیاید که منجر شود به اینکه ضد ولایت پیامبر(ص) یا ضد ولایت امام معصوم و ولی خدا بشوند. در واقع این محبوبیت و زیبایی دین کمک می‌کند که درجه ولایت‌پذیری ما بالا برود.

• اینکه خدا ایمان را محبوب و زیبا قرار می‌دهد و اینکه کفر و فسوق را در جان ما زشت قرار می‌دهد برای سهولت پذیرش فرمان اولیاء خداست و در آیه بعد می‌فرماید: «این یک فضل و نعمتی است از پرودگار و خدا علیم و حکیم است؛ فَضَلًا مِّنَ اللَّهِ وَ نِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (حجرات/۸)

